

جامعہ قرآنی

علاقہ مسلمانان با غیر مسلمان در جنگ و در صلح

کسی کہ در مصراحت و نصوص قرآن مجید و احادیث واردہ از رسول اکرم ص بررسی دقیق و تتبع کند حقایق واضح و روشنی را در معاملہ اسلام و مسلمانان با دیگران بنظرش میرسد و آن حقایق اموری است کہ بین عملی کہ اسلام آنرا تقریر کردہ و عملی کہ اسلام آنرا نپذیرفتہ است در وضع و محاذات اعمال و در معاملات بین المللی می بینید .

این حقایق پنج موضوع است :

اول عدالت . دوم معاملہ بمثل . سوم حمایت از فضیلت . چهارم وفاء بعہد . پنجم یاری ضعیف ازہر جنس و رنگ و ہر مذهب و دین کہ باشد .

و حمایت از آزادیہای انسانی خاصہ آزادی عقیدہ و منع قتنہ و اخلال در دین و فشار برای برگرداندن عقاید دیگران بزور داخل در این باب است - و نتیجہ تبعیت از این اخلال این است کہ تدین امری است مخصوص بخدا یعنی دین ہر کس مال او است و وسیلہ ایست کہ خود با خدای خود ارتباط پیدا میکند و تدین آزاد اساس ہر خیر و پناہ از ہر شر است اینک یک یک از این عناوین پنجگانہ اشارہ اجمالی ولی آموزندہ میکنیم .

اول - عدالت در ہر علاقہ از علایق انسانی کہ در نظریا و دریم می بینیم کہ در مورد آن اسلام بر اساس عدالت آنرا مورد توجہ قرار دادہ و تمام مردم رامساوی دانستہ

و هیچ فردی را بر دیگری در مقابل قانون ترجیحی نداده (ولو آنکه کارها مراتبی داشته و جزای آن چه خیر و چه شر باشد تفاوت دارد) باین معنی که انسان بماه و انسان در نظر شریعت اسلام با انسان دیگر بماه و انسان در برابر قانون تفاوتی ندارد و مصراحت قرآن کریم در این باب زیاد است و واضح ترین آنها در مورد محارب که در حال جنگ با مسلمانان است می بینیم که امر بعدل فرموده (ولایجر منکم شأن قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی) یعنی دل چرکی و کینه و حس انتقام شما را وادار نکند که با آنها بعدالت رفتار نکنید عدالت را پیشه خود سازید زیرا عدالت نزدیکتر بتقوی است و در جای دیگر میفرماید ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم - ای کسانی که ایمان آوردید عدالت را نگاهدارید و بعدالت رفتار ننمائید و برای خدا شهادت بدهید ولو شهادت شما علیه خودتان باشد و در جای دیگر میفرماید ان الله یامر بالعدل والاحسان خداوند امر بعدالت و نیکی میکند - و قرآن مجید یهودیان را از آن جهت ملامت میکند که در بین خود عدالت میکردند ولی نسبت بغیر ستم نموده و حقوق آنها را میخوردند و میگفتند - باین بی سوادها چکار داریم پس تحقق عدالت بتمام معنی یکی از مقاصد عالی و اعلائی تمام ادیان خاصه اسلام بوده و قرآن میگوید تمام پیغمبران و دیانات سابقه بالاتفاق عدالت را اساس کار خود دانسته اند (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس) و جمله اخیر آیه شریفه این نکته را میرساند که اگر جنگی هم در بین باشد هدف آن باید اجرای عدالت در مردم بوده نه تشدید اختلاف و دشمنی و تسلط بر یکدیگر

و احادیث بسیاری از رسول اکرم ص در باب اصرار بر عدالت و منع ستم با دشمنان و دوستان جامعه رسیده است و میفرماید - هر کس با ستمگری مماشات کند از اسلامیت خارج شده و میفرماید خداوند بر خود واجب کرده است که عدالت کند شماها بهم ظلم نکنید و کمک بملت یا بهم جنس یا هموطن هیچگاه مجوز ظلم بدیگری یا معاونت با آنها در ستم گری نباید باشد - ای ابن کعب از رسول خدا ص پرسید آیا اگر فردی

قوم خود را دوست بدارد عصیت اعمال کرده است رسول خدا ص فرمود نه ولی عصیت و تعصب دروقتی است که انسان قوم خود را برستم گری کمک کند و فرموده است کسانی که مردم را بتعصب وادار کنند یا برای تعصب بچنگند از ما نیستند و احادیث دیگر که در این باب وارد شده زیاد است .

دوم - معامله بمثل - اسلام بعدالت مطلق امر کرده یعنی عدالت نسبت بدوست و دشمن و دور و نزدیک و مردم را دعوت کرده است با هم باعدالت رفتار نمایند و طرف معامله چه مسلمان باشد و چه غیرمسلمان باید عادلانه با او رفتار کرد و هم چنین معامله چه بین افراد یا دسته و جماعتها یا بین دولتها باشد باید برپایه عدل استوار گردد و آن قانون عادل در فرمایش رسول ص که فرمود (عامل الناس بما تحب ان يعاملوك به) با مردم طوری معامله و رفتار کن که دوستیاری با تو همان گونه باشند بهترین دلیل است و مطابق مقتضای این قانون باید مسلمان یا کسی که باو تعدی کرده است بمثل آن رفتار نماید و باین جهت قانون معامله بمثل يك قانون اسلامی عادلانه است چنانکه خداوند در قرآن مجید میفرماید (فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا له و اعلموا ان الله مع المتقين) و مشروعیت جنگ و قتال در اسلام برای رفع اعتدا است و از این آیه شریفه دو نکته مهم استنباط میشود - اول آنکه قتال و جنگ در اسلام برای رد عدوان تشریح شده . دوم آنکه از حدود دفاع نباید تجاوز شود و بنا بر این مبدء معامله بمثل است که اسلام رفیق شدن اسیران جنگ را مباح دانسته است و در غیر آن مورد جایز ندانسته زیرا محاربین با اسلام اسیران مسلمان را غلام و بنده خود میساختند بلکه اسیران را سر میبردند و با گرسنه گمی میکشتند و آنها را مثله میکردند و اسلام هیچیک از این اعمال وحشیانه را جایز ندانست و حتی نسبت بکسانی که قصد جان رسول را نمودند معامله خشنی فرمود و رقیبت را برای يك ضرورت جنگی جایز نمود و در غیر آن مورد دیگر در شریعت اسلام رقیبتی تشریح نگردیده و اسلام در آن دوره حداکثر ارفاقی که ممکن بوده است در حق آنها مرعی داشته است .

سوم - وفاء بعهد - اسلام آمد و سلام و سلامتی را با خود آورد و مبعوض ترین چیز در نظر اسلام تسلیم بظلم و اظهار زبونی و ضعف است و در عین حال مطابق امر قرآن که فرموده است اگر مخالفین خواستند با شما از طریق سلم و صفا در آیند شما هم موافقت نمائید - و چون استقرار اسلام و صلح راهی جز بستن قراردادها ندارد معاملات را با قید و جوب و وفاء بعهد محکم ساخت تا سایرین اطمینان بآن پیدا کنند و مسلمانان هم مراقب باشند که اگر طرف تخلف کرد او را بجای خود بنشانند و قرآن خلف عهد را از نشانه‌های نفاق دانسته و آیات شریفه قرآنی در این باب زیاد است و افوا بعهد اله اذا عاهدتم و لاتنقضوا الیمان بعد تو کیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً - و لاتکونوا کالذی نقضت غزلها من بعد قوه انکاثا - تنخدون ایمانکم دخلا بینکم ان تکون امة هی اربی من امة انما یبلو کم الله به الی آخر یعنی بعهد خدا وفا کنید و عهود خود را بعد از تأکید بهم نزنید شما خدا را کفیل خود قرار داده‌اید و مثل آن زن نباشید که با کوشش فراوان پشم خود را رشت و بعد آنرا از هم باز کرد - شما معاملات خود را وسیله خدعه و نیرنگ قراردادید باین منظور که امتی از امت دیگر بیشتر استفاده کند خدا شما را بامتحان می‌آورد و کسی که در این آیات کریمه با نظر دقت توجه کند سه مطلب از آن درک مینماید یکی اینکه موجب بر غدر بین ملت‌ها میل آنها بزیادی قدرت و قوه و استفاده بیشتر از ثروت است و دیگر آنکه خداوند همه مردم را یکسان آفرید و میخواهد نظر مردم بجهات عالیه انسانیت باشد نه جهات پست سوم آنکه مسلمان باید پابند حرفهای خود باشد و احادیث متعددی از رسول اکرم (ص) وارد است که تحریر ص فراوانی بروفاء بعهد فرموده است چنانکه میفرماید مردمان خوب شما کسانی هستند که بعهد خود وفا میکنند و در مواردی که با کفار معاهده بسته بود بایشان خبر دادند که آنها در مقام نقض عهد هستند فرمود شما بعهد خود وفا کنید و از خداوند کمک میخواهیم .

چهارم - تعقیب از فضیلت است - علاقه بین جوامع بشری باید بر مبنای فضیلت و اخلاق حسنه و حسن معاشرت باشد زیرا قانون اخلاق یک قانون عمومی است و سفید

وسپاه و سرخ و زرد ندارد و لذا می بینیم رسول اکرم (ص) در تمام موارد امر بفضیلت میفرمود۔ خداوند جلیل حتی در مواردی که دشمن شروع بجهنگ کرده باشد فرموده است با آنها معامله بمثل نمائید و بلافاصله جمله (تقوی را رعایت نمائید) فرموده است رسول اکرم (ص) در جنگها همیشه امر بتقوی میکرد و لواینکه دشمن برخلاف عمل کند - در یکی از جنگها که سپاهی را میفرستاد فرمود بنام خدا حرکت کنید و ببخدا و ببرکت رسول خدا بروید - پیرمردان و اطفال و صغیران و زنان را نکشید و خیانت نمائید و غنایم خود را جمع آوری کنید نیکی کنید خداوند نیکو کاران را دوست دارد و وقتی باو خبر دادند که سپاه او بعضی از اطفال را کشته اند فرمود باین مردم چه رسیده بود که بچه ها را کشتند مبادا اطفال را بکشند و باز در جای دیگر بسپاه خود سفارش میکنند - بنام خدا حرکت نمائید و با دشمنان خدا جنگ کنید ولی خیانت و غدیر نمائید و اموال و احشام مردم را متفرق نسازید و مثله نکنید.

پنجم - یاری ضعیف و رفع حاجت افراد یکی از پایه های اسلام است تعاون و همدردی مطلوب اسلام و خداوند جلیل است رسول اکرم (ص) میفرماید امر را در رسیدگی بضعفای خود نگاهدارید شما ها بواسطه ضعفاء مورد نصرت قرار گرفته و روزی فراوان پیدا میکنید اسلام کمک بضعیف را بدون توجه بدین او لازم دانسته است و باسیر بودن در حالی که همسایه شخص ولو کافر باشد گرسنه است موافق نیست رسول خدا (ص) فرمود بیک نفر زمی فوق طاقت او تحمیل نمائید و مقرر است که دولت اسلام بمردمان حاجت مند مملکت کمک کند و از آنها رفع حاجت نماید و روایت شده است که خلیفه دوم عمر بن الخطاب پیر مرد کوری را دید که از مردم طلب کمک میکرد و از حالش پرسید معلوم شد که او زمی است خلیفه دوم باو گفت ما باتو انصاف ندادیم از تو در وقتی که جوان بودی جزیه گرفتیم ولی در بزرگی بتو اعتنائی نکردیم و برای او مستمری از بیت المال معین کرد و ارفاق و تعاون در اسلام بجائی رسید که رسول اکرم (ص) شنید که قریش در مجاعه و قحطی افتاده اند پانصد دینار برای ابوسفیان فرستاد که با آن پول

گندم بخرند و فقراء قریش را سیر کنند اسلام بتمام ضعفاء اعم از مسلمان و غیر مسلمان محبت میکرد و در هر معاهده که رسول اکرم (ص) می بست بر اساس یاری از ضعیف بود.

و بهر حال اسلام انسانیت را ملحوظ نظر قرار داده و کمک با انسان را اساس دین خود ساخته و تعاون بین مردم را هدف خود دانسته است چنانکه خداوند میفرماید

انا خلقناکم من ذکروا نشی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی